

## آزادی و آزادگی در نهضت عاشورا چه جایگاهی دارد؟

Mentazer Mentazer

### اهمیت آزادی و آزادگی در نهضت عاشورا و سیره امام حسین (علیه السلام)

عنصر حریت و آزادگی در نهضت عاشورا نسبت به سایر ویژگی‌های این نهضت نمود بیشتری بین مردم دارد؛ تا جایی که خیلی از افراد حتی غیرمسلمانانی که با دین اسلام و جایگاه امامت آشنا نیستند، امام حسین (علیه السلام) را به عنوان فردی آزاده می‌شناسند، که در برابر ظلم قیام کرد و در سخت‌ترین شرایط تن به ذلت نداد؛ همین یک دلیل هم برایشان کافی است تا علی‌رغم تمام تفاوت‌های دینی و اعتقادی چنین شخصیت با عظمتی را محترم بدانند و ایشان را الگو قرار دهند؛ این نشان از اهمیت آزادگی به عنوان یک فضیلت والای انسانی دارد.

میل به آزادگی یک تمایل فطری است که خداوند در ذات همه انسان‌ها قرار داده. همه ما در ناخودآگاهمان از ذلت و حقارت بیزاریم؛ در نتیجه وقتی از سر ناچاری یا از روی طمع عزت نفس‌مان را زیر پا می‌گذاریم و به خود یا دیگران باج می‌دهیم از درون احساس شکست می‌کنیم و از خودمان متنفر می‌شویم. ما دوست نداریم هیچ عاملی آزادی‌مان را محدود کند و ما را به بندگی و بردگی بگیرد، خواه آن عامل درونی باشد و خواه بیرونی.

شاید این سؤال پیش بیاید که مگر می‌شود عاملی از درون ما را به بردگی بگیرد؟ مگر می‌شود کسی اسیر خودش باشد و به خودش باج بدهد؟! پاسخ این است که بله. به همان اندازه که دیگران می‌توانند آزادی بیرونی و اجتماعی ما را به نفع خودشان محدود کنند، خودمان هم می‌توانیم برده و اسیر تمایلات حیوانی‌مان شویم و اتفاقاً دومی از اولی خطرناک‌تر است. ما بدون آزادی بیرونی باز هم می‌توانیم حیات انسانی داشته باشیم، اما بدون آزادی درونی یا همان آزادگی، به کلی از دایره انسانیت خارج می‌شویم و در ردیف حیوانات و چهارپایان قرار می‌گیریم.

در این مقاله ابتدا مفهوم آزادی و آزادگی و تفاوت این دو را شرح می‌دهیم؛ سپس به طور ویژه به اهمیت و جایگاه آزادگی در نهضت عاشورا و کلام امام حسین (علیه السلام) می‌پردازیم.

## آزادی و آزادگی؛ دو نیاز اساسی انسان

تمام موجودات زنده اعم از گیاه، حیوان و انسان برای رشد و تکامل به آزادی نیاز دارند؛ اما نوع آزادی مورد نیاز هر کدام با دیگری متفاوت است. آزادی موجود زنده به این معناست که چیزی جلوی راهش را نگیرد و برای رشدش مانع ایجاد نکند؛<sup>۱</sup> مثلاً برای رشد کردن یک درخت باید فضای اطرافش باز باشد. اگر ما نهالی را در زمین بکاریم و سقف بزرگی بالای سرش ایجاد کنیم، امکان رشد را از او گرفته و آزادی‌اش را محدود کرده‌ایم.

وجود ما انسان‌ها از ابعاد گوناگونی تشکیل شده؛ در نتیجه علاوه بر آزادی‌هایی که گیاهان و حیوانات به آن نیازمندند، به آزادی‌های دیگری هم احتیاج داریم، که یکی از آن‌ها آزادی اجتماعی است.

برقراری آزادی اجتماعی یکی از اهداف اصلی همه ادیان الهی و به‌ویژه دین اسلام بوده و به این معناست که هیچ فرد یا گروهی حق ندارد فرد یا گروه دیگری را از نظر فکری و جسمی به بردگی بگیرد و استثمار کند. از نظر اسلام حاکمیت تنها از آن خدا و نمایندگان اوست؛ در نتیجه اگر حاکمی ستمگر بر یکی از کشورهای اسلامی مسلط شود و با زیرپا گذاشتن حدود الهی افراد را از آزادی اجتماعی‌شان محروم کند، مصداق طاغوت است و باید با او مبارزه کرد.

نوع دیگری از آزادی آزادی درونی یا معنوی است، که ما آن را با نام «آزادگی» می‌شناسیم. اما آزادگی چیست؟ و چگونه به دست می‌آید؟

## آزادگی به چه معناست و چه تفاوتی با آزادی دارد؟

آزادی انسان، مرتضی مطهری، انتشارات بینش مطهر، ص 21<sup>۱</sup>

شاید شنیده باشید که می‌گویند فلانی بنده شکم است؛ یعنی تا وقتی اخلاقی خوب است که شکمش سیر و غذا باب میلش باشد، به محضی که گرسنه بماند یا طعم غذا را نپسندد داد و بی‌داد راه می‌اندازد و پرخاشگری می‌کند. یا مثلاً فلانی بنده پول است؛ یعنی در برابر مادیات اصلاً مقاومت ندارد. ممکن است برای کسب پول و ثروت به هر خیانت و خبائتی دست بزند، بدون آن که عواقبش را در نظر بگیرد. چنین افرادی آزادند اما آزاده نیستند. پس آزادی با آزادگی تفاوت دارد.

**آزادگی** به معنای رهایی از تعلقاتی است که ما را به پستی و حقارت می‌کشاند؛ ارزش انسانی ما را زیر سؤال می‌برد و شرافت‌مان را نابود می‌کنند. آزادگی زمانی به‌وجود می‌آید، که بخش‌های جمادی، گیاهی و حیوانی ما فرمان‌بردار و زیردست بخش انسانی‌مان باشند، نه حاکم بر آن؛ به محضی که این تعادل به هم بخورد و معادله برعکس شود ما دیگر آزاده نیستیم، برده‌ایم؛ گاهی برده پول، گاهی مقام، گاهی شهوت و ... طبیعتاً کسی که آزاده نباشد، مستبد و خودرأی می‌شود و راه را بر آزادی دیگران هم می‌بندد؛ حکومت تمام خلفای بنی امیه از جمله یزید چنین حکومتی بود.

سرداران و سربازان سپاه یزید برده و اسیر تمایلات نفسانی خود بودند؛ همین هم باعث شده بود چشم عقلشان کور شود و مقابل حجت خدا بایستند. عمرسعد شهوت مقام داشت و می‌خواست به هر قیمتی شده به حکومت ری برسد. شمر برده شکم بود و اسیر حسادت. خود یزید انواع و اقسام خبائت‌های درونی را باهم داشت. سیاهی لشگرهای سپاه هم هر کدام در طمع چیزی بودند؛ یکی در طمع چند سکه طلا، دیگری در طمع غنائم جنگی و...

سایر مردم هم گرفتار ترس‌ها، دودلی‌ها و تنبلی‌های خودشان بودند و کسی جرأت مقابله با فساد و استبداد حاکم بر جامعه را نداشت. در چنین جامعه‌ای امام حسین (علیه‌السلام) باید روح آزادگی و شرافت از دست رفته را به مردم برمی‌گرداندند و آن‌ها را از ذلتی که گرفتارش شده بودند نجات می‌دادند و این کار، جز با قیام کردن بر علیه استبداد حاکم بر جامعه ممکن نبود. امام هم برای آزادی مردم تلاش کردند و هم برای آزادگی آن‌ها؛ اما جایگاه آزادگی در نهضت عاشورا ویژه‌تر است. چون به‌طور مستقیم با انسانیت افراد سر و کار دارد. کسی که آزاده نباشد ذلیل و حقیر می‌شود و انسان حقیر به‌راحتی تن به ظلم می‌دهد.

## کلام امام حسین (علیه‌السلام) جلوه آزادگی در نهضت عاشورا

بعضی از سخنان امام حسین (علیه‌السلام) که در موقعیت‌های مختلف بیان شده، جلوه‌های حریت و آزادگی در نهضت عاشورا را به‌وضوح نشان می‌دهد. ایشان با این خطابه‌ها حسرت شنیدن یک کلمه حاکی از پشیمانی و ضعف را بر دل دشمن باقی گذاشتند و این درس بسیار بزرگی برای ماست.

### تسلیم نخواهم شد!

در روز چهارم محرم قیس‌بن‌اشعث، یکی از چهره‌های پلید و خبیث واقعه عاشورا خطاب به حضرت گفت: «آیا نمی‌خواهی زیر پرچم پسرعمویت (یزید) درآیی! چرا که به آن چه دوست داری می‌رسی و از آنان بدی نخواهی دید!»

امام (علیه‌السلام) در کلامی که جلوه‌ای از آزادگی در نهضت عاشورا به روشنی نشان می‌دهد، فرمودند: تو برادر همان برادری! (تو همانند برادرت هستی که مسلم را در کوفه به شهادت رساند) آیا می‌خواهی بنی‌هاشم بیشتر از خون‌بهای مسلم‌بن‌عقیل را از تو طلب کنند؟! نه! به خدا سوگند دستم را همانند افراد ذلیل و پست در دست آنان نخواهم گذاشت و مانند بردگان نیز تسلیم نخواهم شد (یا فرار نخواهم کرد).<sup>۲</sup>

### هیئات منا الذله

امام حسین (علیه‌السلام) در بخشی از سخنانشان در روز عاشورا فرمودند: «هان! این حرام‌زاده پسر حرام‌زاده مرا میان دو چیز مخیر کرده است؛ میان شمشیر و تن دادن به خواری و هیئات که ما تن به ذلت و خواری دهیم. خدا و رسول او و مؤمنان و

عاشورا ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها. ص 419<sup>۲</sup>

دامن‌های پاک و مطهر (که ما در آن پرورش یافته‌ایم) و دل‌های غیرت‌مند و جان‌های بزرگ‌منش این را از ما نمی‌پذیرند که فرمان‌بری از فرومایگان را بر مرگ شرافت‌مندانه ترجیح دهیم.»<sup>۳</sup>

امام در این سخنان از لفظ «من» استفاده نمی‌کنند، از «ما» استفاده می‌کنند و می‌فرمایند «ما تن به ذلت نمی‌دهیم»؛ ما یعنی من و خاندان و شیعیان من. این سخن پیغام بسیار مهمی در دل خود دارد و آن این است که هرکس در طول تاریخ خود را شیعه‌ علی (علیه‌السلام) و فرزندانش می‌داند باید روحیه‌ آزادگی داشته باشد و چه کلاس درسی برای کسب این صفت بهتر از کلاس درس آزادگی در نهضت عاشورا.

### اگر دین ندارید لاقل در دنیایتان آزاده باشید!

در روز عاشورا پس از آن‌که همه یاران و اصحاب امام حسین (علیه‌السلام) به شهادت رسیدند، ایشان به‌تنهایی و با بدنی مجروح مشغول نبرد بودند، که ناگهان لشگری انبوه به فرماندهی شمر بن ذی‌الجوشن به سوی خیمه‌ها هجوم آوردند و قصد حمله به آن‌ها را داشتند. امام (علیه‌السلام) رو به آن‌ها کرد و فرمود:

«ای پیروان ابی‌سفیان! اگر دین ندارید و از معاد نمی‌ترسید لاقل در دنیایتان آزاده باشید. و اگر آن‌طور که ادعا می‌کنید، عرب هستید به اصل و نسبت‌تان برگردید. شمر گفت: حسین! چه می‌گویی؟! امام فرمود: من با شما می‌جنگم و شما با من نبرد می‌کنید، این زنان گناهی ندارند؛ پس تا من زنده هستم، از تعرض یاغیان‌تان به خانواده‌ من جلوگیری نمایید و به خیمه‌ها حمله نکنید.»<sup>۴</sup>

<sup>۳</sup> لهوف، ص 97

<sup>۴</sup> بحارالانوار، ج 45، ص 51

امام در این سخنان آزادگی را از ظواهر دین‌داری جدا می‌کنند، زیرا آزادگی یک شرافت ذاتی است و ربطی به دین ندارد. در عصر ما نیز علاوه بر مسلمانانی که با الگوگیری از آزادگی در نهضت عاشورا پرچم دفاع از مظلومان را بلند کرده‌اند، خیلی از غیرمسلمانان در برابر زورگویان و مستکبران می‌ایستند و از مظلومان عالم حمایت می‌کنند و این نشانهٔ آزادگی آن‌هاست.

سخنانی از امام حسین (علیه‌السلام) که می‌توان ردپای آزادگی در نهضت عاشورا و پرهیز از ظلم‌پذیری را در آنها دنبال کرد، بسیارند و ما تنها چند نمونه از آن‌ها را ذکر کردیم. با توجه به آن‌چه دربارهٔ اهمیت آزادگی در نهضت عاشورا و سیرهٔ امام حسین (علیه‌السلام) گفتیم، هر کدام از ما باید فرصتی را به فکر کردن دربارهٔ سبک زندگی خودمان اختصاص دهیم و ببینیم چه قدر با عزت زندگی کرده‌ایم؟ سبک زندگی ما آزادانه است یا ذلیلانه؟ آیا حاضریم برای کسب ثروت و شهرت و قدرت، یا برای رضایت همسر و فرزند و خانواده شرافت‌مان را زیر پا بگذاریم یا خیر؟ شما چه فکر می‌کنید؟ خوشحال می‌شویم تجربیات خود را در این زمینه با ما و سایر مخاطبین به اشتراک بگذارید.